

تقديم:

همه ی آنچه که از پایان نامه در زمینه فولکلور به دست آورده ام :

پیشکش نگاه پر از امید مادرم و نفس همیشه گرم پدرم می کنم،

نگاه و نفسی که حامی ام در موفقیت ها بوده است.

و همچنین پیشکش همسرم به پاس همکاری و یآوری اش...

تقدیر و تشکر:

با سپاس فراوان از راهنمایی های ارزنده و زحمات بی شائبه ی جناب آقای عسکری خانقاه که مجموعه روش را در اختیارم گذاشته و بنده را به نوشتن این پایان نامه ترغیب و تشویق نموده است و همچنین همکاری و مساعدت جناب آقای عسکری نوری با علاقه مندی فراوان و دقت لازم در خور قدردانی است ، همچنین از سرکار خانم میر اسکندری به خاطر نظراتشان در جهت تهیه و تنظیم پایان نامه کمال تشکر را دارم .

از اعضای محترم انجمن ساری شناسی که مجموعه کتاب هایی در زمینه مازندران و فولکلور آن در اختیارم گذاشتند نیز بسیار سپاسگذارم .

در پایان مراتب قدرشناسی ام را به یکایک دوستانی که در جهت ساماندهی پایان نامه مرا یاری نمودند ابلاغ می کنم .

## بسمه تعالی

### تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب ماندانا قاسمیان صاحبی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۶۳۴ در رشته مردم شناسی که در تاریخ ۹۰/۴/۸ از پایان نامه خود تحت عنوان « تحلیل مردم شناسی ضرب المثل های مازندرانی مطالعه موردی شهر ساری » با کسب نمره

و درجه دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شود:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران ( اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و ... ) استفاده نموده ام ، مطابق ضوابط و رویه های موجود ، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی ( هم سطح ، پایین تر یا بالاتر ) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱.....	چکیده
۱.....	واژگان کلیدی
۲.....	مقدمه
۴.....	مفاهیم

### فصل اول: کلیات

۷.....	بیان مسئله
۹.....	انگیزه پژوهش
۱۰.....	ضرورت و اهمیت پژوهش
۱۱.....	اهداف پژوهش
۱۲.....	روش پژوهش
۱۲.....	ابزار پژوهش
۱۲.....	سوالات پژوهش
۱۳.....	چارچوب نظری پژوهش
۲۰.....	زمان و مکان پژوهش
۲۰.....	مشکلات و مبهمات پژوهش

## فصل دوم: محدوده مورد مطالعه

### موقعیت جغرافیایی

- ۲۲ ..... بخش ها
- ۲۲ ..... دهستانها

### جغرافیای طبیعی

- ۲۳ ..... مساحت
- ۲۳ ..... میزان بارندگی
- ۲۳ ..... آب و هوا
- ۲۳ ..... ارتفاعات
- ۲۳ ..... رودخانه ها
- ۲۴ ..... پوشش گیاهی
- ۲۴ ..... پوشش جانوری

### جغرافیای انسانی

- ۲۴ ..... جمعیت
- ۲۴ ..... زبان و خط
- ۲۵ ..... مذهب
- ۲۵ ..... خوراک
- ۲۵ ..... پوشاک
- ۲۵ ..... موسیقی
- ۲۶ ..... آداب و رسوم

### جغرافیای اقتصادی

- ۲۶ ..... صنایع و معادن
- ۲۶ ..... کشاورزی
- ۲۶ ..... دامداری و دامپروری

۲۶..... ماهیگیری

۲۷..... صنایع دستی و هنرهای سنتی

### جغرافیای تاریخی

۲۷..... وجه تسمیه و پیشینه تاریخی

۲۸..... آثار باستانی

۲۸..... مناطق توریستی و تفریحی

۲۹..... سینما

۲۹..... راه ها

۲۹..... پل

۳۰..... کاروان سراها

۳۰..... محلات

۳۰..... بازارهای محلی و دوره ای

۳۱..... مراکز آموزشی

۳۱..... مراکز بهداشت و درمان

۳۲..... مراکز تربیت بدنی

۳۳..... پیشینه تحقیق

### فصل سوم: ادبیات پژوهش

۴۱..... مسئله اصلی در فولکلور

۴۱..... تاریخچه فولکلور

۴۴..... قلمرو فولکلور

۴۵..... پیدایش مثلها

۴۶	.....	اقسام مثلها.
۴۷	.....	نقش مثلها در شناسایی اقوام.
۴۹	.....	نقش مثلها در حفظ الفاظ و واژه های فارسی.
۴۹	.....	نقش و جایگاه ضرب المثل در ادبیات عامه (فولکلور).
۵۰	.....	خاستگاه ضرب المثل.
۵۲	.....	سازه های ضرب المثل.
۵۳	.....	ضرب المثل و آرایه های ادبی.
۵۴	.....	اصطلاحات نزدیک به ضرب المثل.

#### فصل چهارم: یافته های پژوهش

۵۸	.....	جنس دختر و پسر.
۶۱	.....	زن ها و مردها.
۶۲	.....	بچه.
۶۴	.....	افراد پیر.
۶۵	.....	افراد جوان.
۶۶	.....	همسایه.
۶۸	.....	مهمان.
۶۹	.....	ارتباط خانوادگی و فامیلی.

- ۷۱.....ارتباط فرزند و والدین
- ۷۲.....کشاورزی
- ۷۳.....معامله
- ۷۴.....دزد
- ۷۵.....گدا
- ۷۶.....غنی و دارا
- ۷۶.....فقر و نداری
- ۷۸.....بد شانس و بدبختی
- ۷۹.....حق و ناحق
- ۸۰.....کمک و همکاری
- ۸۱.....تلاش و پشتکار
- ۸۳.....نظم و بی نظمی
- ۸۴.....حرف و سخن
- ۸۶.....دوستی و دشمنی
- ۸۶.....تربیت
- ۸۸.....خصلت های اخلاقی
- ۱۱۶.....باورهای عامیانه و خرافات
- ۱۱۸.....نفرین
- ۱۱۹.....دعا



۱۱۹.....	پند و اندرز.....
۱۲۴.....	مکافات عمل.....
۱۲۶.....	مرگ.....
۱۲۷.....	معادل ضرب المثل های فارسی.....
۱۳۶.....	سایر ضرب المثل ها.....
۱۵۵.....	نتیجه.....
۱۵۹.....	ضمائم.....
۱۷۸.....	منابع.....

## چکیده :

کار جمع‌آوری گویش‌های محلی در سال‌های اخیر شتاب امیدوار کننده‌ای به خود گرفته است. شاید از بارزترین اهداف جمع‌آوری گویش‌های مختلف، ثبت و ضبط آن، جلوگیری از نابودی و مهمتر از همه حل مشکلات دستوری زبان رسمی باشد. دقت در فرآیندهای زبانی گویش‌های محلی نوع ارتباط مردم نواحی مختلف با پیرامون نشان را به ما نشان خواهد داد. از سوی دیگر با بررسی و توصیف گویش‌ها حفظ اشعار، باورها و زبانزدها نیز می‌تواند بخشی از مطالعات تاریخ اجتماعی مردم هر ناحیه را برای ما روشن کند. مطالعه و پژوهش در فرهنگ عامه همواره مورد توجه انسان شناسان و علاقه‌مندان مباحث فرهنگی بوده است. هنگامی که از فرهنگ مردم اجتماعی سخن به میان می‌آید در واقع سخن از عقاید و آداب، مذهب، مثل و هزاران پدیده اجتماعی است که بازگو کننده حقیقی اندیشه و احساسات یک قوم است. تحلیل مردم شناختی ضرب المثل‌های مازندرانی محور اصلی این پایان نامه است. در پایان نامه حاضر سعی بر آن شد، که با جمع‌آوری و شناخت و طبقه‌بندی ضرب المثل‌های مازندرانی به روش میدانی و تجزیه تحلیل آن در یکی از شهرهای شمالی کشور (شهر ساری) نقش و تاثیر ضرب المثل را در زندگی مردم مورد مطالعه بررسی شود. در قسمت یافته‌های پژوهش نکته‌های فراوانی در زمینه شیوه‌های زندگی، احساسات و اعتقادات و ... با جمع‌آوری ضرب المثل‌ها بدست آمد که شناخت آن تاثیر بسزایی در زندگی انسان دارد.

واژگان کلیدی : فرهنگ عامه، فرهنگ، ضرب المثل، گویش‌های محلی، پدیده اجتماعی

## مقدمه :

از دیر باز فکر نوشتن مطالبی درباره زادگاهم و محلی که در آن بزرگ شده ام و زندگی می کنم را در ذهن داشتم مطالبی که بیان کننده فرهنگ، آداب و رسوم و زبانی که با آن گفتگو می کنند باشد. به مرور زمان بسیاری از رسم ها با نفوذ سنن و فرهنگ های گوناگون نابود شده و یا تغییر یافته اند و همچنین می بینیم که نسل نو در شهرها بزرگ شده، با یکدیگر به زبان فارسی حرف می زنند و کمتر در مواقع صحبت کردن از زبان بومی خود استفاده می کنند و آن را مایه ننگ و حقارت می دانند. تمام پدیده های هستی در حال رشد و تکامل هستند، امروزه روابط اجتماعی افراد و اعتقاداتشان با گسترش ارتباطات در حال دگرگونی است، همچنان که ارتباطات و تکنولوژی با سرعت به جلو پیش می روند فولکلور نیز به مسیر خود ادامه می دهد زیرا فولکلور همیشه با انسان همراه است. مثل انسان و فولکلور همانند ماهی و آب است اگر ماهی از آب جدا شود از بین می رود، تصور انسان بدون فولکلور هم ممکن نیست. فولکلور از بخش های مهم و غنی فرهنگ جوامع است در این راستا ضرب المثل ها جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده اند و متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی شکل گرفته اند. حفظ میراث گذشتگان در کشور پهناوری مثل ایران با آن همه تنوع اقلیمی، قومی، مذهبی، فرهنگی آدمی را بر آن می دارد تا به جمع آوری فرهنگ عامه دیار خود بپردازد. عشق ورزیدن به قومیت و فرهنگ خود انسان را وامی دارد تا استوار بدان اندیشیده و برای حفظ آن تلاش کند.

«با پیشرفت زبان در خط ارتباطات بشری و با حرکت سریع تکنولوژی در قرن حاضر، باید برای بیان اندیشه های بشر از هر قبیله و قومی که باشند در جستجوی فکری قوام یافته بود تا از هر سخنی که بر زبان هر جمعیتی جاری می شود، نمادی دقیق و روشن در دل کاشت و به راز واژگان و لاجرم به سیر تکاملی و تحولی اندیشه های انسان در هر گوشه از جهان پی برد. چه در این بازار آشفته، اگر هر اتفاقی برسر واژگان یک قوم بیفتد، بر سر فرهنگ و اندیشه های آن افتاده است. زیرا، بر مبنای فرهنگ هاست که کاربرد واژگان مکان والای خود را اشغال می کند و مردمان یک مرز و بوم در جریان تطور فرهنگ ها قرار می گیرند.»

(پانوف، پرن، ۱۳۸۴: ص ۲)

«ادبیات عامه که مثل جزیبی از آن به شمار می رود اساساً هنری واقع گراست. زیرا پدیدآورندگان آن که توده مردم یک جامعه را دربرمیگیرد، گردانندگان واقعی چرخه تولید جامعه به شمار رفته و کار سراسر زندگی آنان را در می نوردد. از این رو جریان اندیشه آنان سخت وابسته به دنیای عمل بوده و محور اصلی فولکلور نیز مبارزه انسان با طبیعت و رام کردن نیروهای طبیعی و در نتیجه برپایی تمدن است.» (آریان پور، ۱۳۴۵: ص ۹۲)

«امثال و تعبیرات و اصطلاحات رایج میان هر قوم و ملت یکی از ارکان مهم زبان و ادب آن قوم و نموداری از ذوق و قریحه و صفات روحی و اخلاقی و افکار و تصورات و رسوم و عادات آن ملت است این امثال در طی هزاران سال در میان اقوام مختلف جهان شکفته و نشر یافته و در هر کشور برحسب اختصاصات قومی و فرهنگی و آداب و سنن و مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی های خاصی پیدا کرده اند.» (شکورزاده، ۱۳۷۲، ص هفت)

در مسیر مطالعه ضرب المثل ها به دنبال اهداف پژوهش \_ که شناخت و طبقه بندی و تحلیل آنان است \_ بوده ، روش کار به صورت اسنادی، میدانی همراه با مصاحبه و مشاهده مشارکتی است و در فصل دوم محدوده مورد مطالعه که شهر ساری می باشد توضیح داده می شود، فصل سوم ادبیات پژوهش است که در این فصل به دنبال خاستگاه آن و ساختار ضرب المثل های مازندرانی و همچنین عواملی که در به وجود آمدن ضرب المثل ها تاثیر گذار بوده اند توجه کرده و در فصل چهارم یافته های پژوهش را به تفصیل شرح داده که شامل بررسی موضوعی ضرب المثل ها و تحلیل آن به ترتیب اشتغال، جنسیت، خصوصیات رفتاری، باورها و خرافات و همچنین مرگ و پند و اندرزها می باشد، سپس نتایج ارائه می شود.

## مفاهیم:

### فولکلور:

سی. ان. برن معتقد است موضوعاتی که بنام فولکلور بررسی می شوند در سه مقوله اصلی و چندین مقوله فرعی قرار می گیرند.

الف) باورها، عرف ها و عادات ها مربوط به زمین آسمانها، دنیای گیاهان و رویدنی ها، دنیای حیوانات و دنیای انسانی، اشیای مخاوق و موضوع بشر، روح و نفس و دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر غیبگویی و معجزات و کرامات، سحر و ساحری، طب و طبابت.

ب) آداب و رسوم مربوط به نهاد های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شعایر و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه ها، گاه شماری و تقویم و جشن ها بازی ها و سرگرمی های اوقات فراغت.

ج) داستان ها، ترانه ها، ضرب المثل ها، ترانه ها و تصنیف ها مثل ها، متل ها، چیستانها. (بیهقی، ۱۳۶۵، ص ۲۱)

### فرهنگ:

«مجموعه ای از آگاهی ها (شناخت ها) و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی (شعایر)، مذهبی، اجتماعی و غیره است که یک جامعه انسانی معینی را مشخص می کند. (پانوف، ۱۳۸۴: ص ۸۷)

«تایلر فرهنگ را چنین تعریف کرد: فرهنگ مجموعه پیچیده ای است شامل: دانش، عقیده، هنر، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر استعدادها و عادات که به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد». (عسکری خانقاه، ۱۳۸۴: ص ۲۳۶)

### ضرب المثل:

«مثل یکی از قدیمی ترین ادبیات بشر می باشد. انسان پیش از آنکه شعر بگوید و قبل از آن که خط بنویسد، اختراع مثل نموده و آن را در محاورات خود به کار برده است» (بهمنیار، ۱۳۶۹: ز)

«در فرهنگ دهخدا، علاقه شباهت چون در میان دو جمله باشد آن را تمثیل نامند و چون تشبیه ناشی الاستعمال و شایع باشد آن را مثل خوانند». (عظیمی، ۱۳۷۳: ط)

دکتر معین مثل را «داستان، حکایت، قصه، افسانه و یا داستانی می داند که در میان مردم شهرت یافته و برای ایضاح مطلب و مقصود به نثر یا نظم حکایت می کند. (طالبی، ۱۳۸۶:ص ۱۳)

### زبان:

زبان نهادی است اجتماعی که برای برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه به کار می رود. این ابزار ارتباطی در جوامع بشری، ثابت نیست و همیشه به یک شکل باقی نمی ماند. زیرا به دلیل ماهیت و وابستگی به اجتماع به تبع و هماهنگ با دگرگونی های جامعه تغییر و تحول می یابد. (باقری، ۱۳۸۱:ص ۶۷)

زبان « به عنوان یکی از ابزارها و روش های فرهنگی است که انسان به کمک آن با سایر افراد جامعه ارتباط برقرار می کند. این وسایل و ابزار فرهنگی مانند سایر جنبه های فرهنگ بنا به مقتضیات و نیاز جامعه پدید می آید، انطباق پیدا می کند و همراه با تغییرات دیگر، تغییر می کند». (روح الامینی، : ص ۶۷)

### گوش مازندرانی:

گوش شکلی از زبان است که علاوه بر تلفظ گاه در کاربرد قواعد دستوری نیز با زبان معیار تفاوت دارد. مثلا در گوش مازندان می گویند: «ته چتی هستی» در گوش معیار تو چطور هستی؟ همان گونه که ملاحظه می نمایید به جای تو «ته» و به جای چطور «چتی» به کار رفته است چون شکل ظاهری کلمه ی «ته و تو» «چتی و چطور» تفاوت دارد و واژگانی از این دست عده ای را به غلط بر آن داشته است که بپندارند که گوش ها از جمله گوش مازندرانی یک زبان است حال آنکه گوش مازندرانی زبانی مستقل نیست. (طالبی، ۱۳۸۶: ص ۱۰)

### پدیده اجتماعی:

منظور از پدیده اجتماعی کلیه ی وقایع یا اموری است که در جامعه وجود دارد یا روی می دهد و شخصی آن را در خارج از خود مشاهده کرده یا از طریق حواس و هوش درک می نماید. از جمله آنها می توان سازمان ها و تأسیسات، نهادها و جلوه های گوناگون حیات اجتماعی چون: هنر، ادبیات، دین، اخلاق، آداب و رسوم، عادات، تعلیم و تربیت، زبان، عقاید، افکار و ..... را نام برد. باید دانست که پدیده های اجتماعی مستقل از فرد است و با پدیده های فردی و نفسانی (روانی) تفاوت دارد، در حقیقت پدیده های اجتماعی را می توان واقعیاتی تلقی کرد که جمعی، عینی، ملموس باشد.

**فصل اول :**

**( کلیات )**

## بیان مسئله :

در تاریخ مطالعات مردم شناسی پژوهش های بسیاری راجع به هویت قومی و نژادی ملت ها صورت گرفته است و در گستره های مختلف جغرافیایی به فولکلور یا فرهنگ عامه آنان توجه نشان داده شده است. با توجه به فرهنگ در همه جوامع و هم ردیف شدن آن با پدیده جهانی شدن فرهنگ که از بین رفتن مرزهای فرهنگی را در پی داشته، فرهنگ بومی در حال نابودی و زوال است، بنابراین برای مصون ماندن فرهنگ بومی از فرهنگ بیگانه و حفظ میراث گذشتگان باید تلاشی در جهت ثبت و ضبط ضرب المثل ها و تحلیل آن صورت گیرد، تا هم خجل زده نسل بعد خود نشده و هم پایگاه فرهنگ بومی خود را مستحکم کنیم. ضرب المثل ها در میان مردم و از زندگی مردم پدید می آید و با مردم پیوند ناگسستنی دارد. این جملات کوتاه زاینده ی اندیشه و دانش مردم ساده و میراثی از غنای معنوی نسل های گذشته است که دست به دست و زبان به زبان به آیندگان می رسد و آنان را با آمل و آرزوها، با غم و شادی، با عشق و نفرت، با ایمان و صداقت و با اوهام و خرافات پدران خود آشنا می سازد. «مثل ها حتی در شناخت تاریخ و تمدن مان نیز مارا کمک می کنند، تاریخ را فقط از طریق وقایع و شرح حوادث نمی توان شناخت. با علم به اینکه اطلاع به وقایع تا حدی از همین مثل ها بیرون آمده و ویژگی های اخلاقی و عرفی را می توان از لا به لای آنان بیرون کشید که نشان دهنده کردارها و مناسبات اجتماعی گذشتگان است. ما بدون شناخت گذشته، در حال معلق می مانیم و هر قدر این شناخت کاملتر باشد این تبلیغ کمتر خواهد بود. ضرب المثل به وجهی برگه ای از تضادها و نیازها و آرها و رنگ ها و نیرنگ هایی هستند که در تاریخ ضبط گردیدند و از کنار هیچ یک از مثل ها بی تفاوت و به سادگی نمی توان گذشت چرا که آن حاصل عمرها و هرکدام سزاوار سپاس ها و پاس هاست.» (طالبی، ۱۳۸۶، ص ۵)

ضرب المثل ها بسیار زیاد و متنوع هستند و دربردارنده اعتقادات و باورها، روحیات و شرایط اجتماعی و فرهنگی افراد می باشد پس جمع آوری ضرب المثل ها و شناسایی آنان از آنجا که با زندگی مردم ارتباط



تنگاتنگی دارد جهت احیا و بازتولید فرهنگ روشی ارزشمند و درخور توجه است. پژوهش حاضر در یکی از مناطق سرسبز شمالی مازندران و در یکی از شهرهایش به نام شهر ساری انجام گرفته، خواهیم دید که مردمان این خطه با توجه به اقلیم خاص خود و با اندیشه ها و تفکرات متفاوت برای هر نکته ای در شرایط گوناگون در گرفتاری ها و خوشی ها ضرب المثلی خاص کوک کرده اند. در نتیجه بر آنم تا بدانم ضرب المثل ها چه تاثیری بر زندگی مردم منطقه ساری دارد؟ با جمع آوری و تحلیل مثل ها به ساخت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی منطقه مورد نظر پی ببرم .

## انگیزه پژوهش :

مطالعه زندگی گذشتگان و شناخت آیین ها و باورهای آنان نگاه جدیدی به انسان می دهد که بدون شک نگاه و نگرش او را به زندگی تغییر می دهد. انگیزه ثبت و گردآوری مثل ها علاقه مندی به حفظ فرهنگ و سنن مازندران می باشد. این کاردر واقع در بطن تلاش و دلمشغولی عظیم تر ما یعنی «حفظ فرهنگ بومی» قرار دارد، زیرا فرهنگ و ادب بومی هر سرزمینی به شکل کلان بر فرهنگ ملی تأثیر می گذارد و این خود سبب رشد و تقویت فرهنگ ملی می شود. در روزگار ماهواره و اینترنت و هجوم بسیار زیاد فرهنگ ها بر فرهنگ ها، برای حفظ هویت و اصالت و گریز از بی خویشی و بی خویشتی باید ریشه ها را جست و تقویت کرد و جای پای محکمی برای ایستادن یافت. حفظ «فرهنگ بومی» منوط به شناخت دقیق و عالمانه ما از آنهاست. به گمان من این وظیفه فرهیختگان و دانش آموختگان هر منطقه و اقلیم است که فرهنگ بومی و اقلیمی خود را نیک بشناسند و قدر بدانند و در عین حال آن را به جوانان و نوجوانان بشناسانند. از آنجا که ضرب المثل بین خانواده های این منطقه کاربردی همیشگی و مکرردارد و تکیه کلام اهل ذوق است سبب ارتباط بیش از پیش من با این موضوع گردید.

## اهمیت و ضرورت پژوهش :

فرهنگ و زندگی مردم در چند دهه اخیر بدون هیچ تغییری ادامه داشته تا زمانی که تکنولوژی به وجود آمد ، شهرنشینی گسترش یافت و روستاها دستخوش تغییراتی در معیشت ، پوشاک و خوراک و حتی در ازدواج شدند. گسترش وسایل ارتباطی و پیشرفت فرهنگ و تمدن باعث از بین رفتن و کمرنگ شدن فرهنگ عامه شده ، با افزایش قشر تحصیل کرده گرایش به سخن گفتن به زبان فارسی بیشتر شده و لهجه های محلی که بزرگترین گنجینه زبان ملی و میراث نسل های پیشین است منقرض گردید.

«پدیده جهانی شدن خواسته یا ناخواسته فرهنگ های محلی را در برابر نابودی قرار خواهد داد و فرهنگ ما هم از این قاعده مستثنی نیست . چه بسیاری از نوجوانان مازندرانی حتی در داخل مازندران قادر به تکلم این لهجه شیرین نیستند و چه بسا بسیاری از خانواده ها به عمد که حاصل نوعی خود باختگی است از آن لهجه بومی بر تافته و خود را به تجاهل زده اند. این گسست و شکاف فرهنگی موجب نابودی تدریجی این ضرب المثل ها و عبارات حکیمانه می شود که حاصل عمری تلاش و تجربه پیران سرد و گرم چشیده و از مفاهیم عالی انسانی و روز آمد نیز برخوردار است . حیف است که تجربه های گران بهای اجدادمان در غبار تاریخ فراموش و به طاق نسیان سپرده شود» (بینایی، ۱۳۷۱، ص ۲).

«مثل ها و اصطلاحات هر زبان که با چند کلمه یا با یک جمله کوتاه خوش آهنگ منظور گوینده را بیان می نماید از ارکان عمده ادبیات و پایه های اصلی آن زبان بوده و می توان گفت که چکیده حکمت و فلسفه هر جامعه در دل ضرب المثل ها و اصطلاحات آن نهفته و معرف روحیه و طرز اندیشه مردم آن جامعه می باشد ضرورت قرار دادن این سرمایه ملی در اختیار دیگران احتیاج به دلیل و برهان ندارد.» (عظیمی، ۱۳۷۳، ص ج)

این تحقیق از این روی اهمیت دارد که با شناخت از فرهنگ عامه یا فولکلور محلی یک منطقه، به بسیاری از نکته های دقیق ادبی، اخلاقی، اجتماعی و انتقادی و حوادث آن زمان و طرز زندگی و عادات و رسوم و تخیلات و نوع اندیشه های آن آگاه شویم.

## اهداف پژوهش :

ما موظف هستیم تا مثل ها و ضرب المثل های هر منطقه از کشور را به دقت بررسی کنیم . ثبت و ضبط نماییم و در مواقع لزوم به کار ببریم و آنها را از گزند حوادث در امان بداریم زیرا اینها خود گنجینه ادبی بزرگی است. گردآوری مجموع ضرب المثل های منطقه ای از دیدگاه محققان علوم اجتماعی و انسانی باید مورد توجه ویژه ای قرار گیرد بخصوص اگر به گویش محلی باشد دارای ارزش و اهمیت بیشتری خواهد بود.

هدف کلی از انجام این پژوهش تحلیل مردم شناختی ضرب المثل های مازندرانی (مورد مطالعه شهرساری)

اهداف خاص تحقیق عبارتند از :

۱- شناخت هر یک از ضرب المثل های مازندرانی، جمع آوری و طبقه بندی آن .

۲- بررسی نقش هر یک از ضرب المثل ها در زندگی اجتماعی مردم منطقه .